



The Hermeneutical Potential of al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya in Qur'anic Exegesis: A Focus on Four Major Commentaries

Ali Abdollahzadeh ¹

Abstract

Al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, a seminal devotional work attributed to Imam 'Alī ibn al-Ḥusayn (AS), holds a revered position among Shi'i scholars and is often referred to as “the sister of the Qur'an”, “the Gospel of the Ahl al-Bayt”, and “the Psalms of the Household of Mohammad (PBUH)”. This collection of supplications offers a profound spiritual and theological foundation for engaging with God. Despite its theological and exegetical depth, al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya has not yet been sufficiently utilized in Qur'anic interpretation. This study seeks to demonstrate the intimate relationship between the Qur'an and the Ṣaḥīfa by first examining Supplication Twenty-One, which contains allusions to ten distinct Qur'anic verses. It then explores the role of the Ṣaḥīfa in elucidating Qur'anic vocabulary, meanings, referents, and in addressing exegetical challenges. Subsequently, the paper evaluates four key commentaries: Riyāḍ al-Sālikīn, Nūr al-Anwār, Fī Zilāl al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, and 'Allāma Majlisī's Sharḥ al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, analyzing the ways in which they reflect Qur'anic interpretation through the lens of Imam al-Sajjād's prayers. A comparative assessment of these works highlights the varied exegetical approaches to invoking Qur'anic verses within the supplications. The exegetical content found in six selected supplications (the first, fourth, fifth, seventeenth, twentieth, and twenty-fifth) shows that most commentators emphasize conceptual clarification of the verses; notably, Nūr al-Anwār focuses on referential specification (ta'yīn al-miṣdāq), while Riyāḍ al-Sālikīn engages in resolving interpretive difficulties (ḥall al-ishkālāt al-tafsīriyya).

Keyword: The Qur'an, al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya, exegesis, 'Allāma Majlisī's commentary, Nūr al-Anwār, Riyāḍ al-Sālikīn, Fī Zilāl al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya.

Citation: Abdollahzadeh, A. (2026). “The Hermeneutical Potential of al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya in Qur'anic Exegesis: A Focus on Four Major Commentaries”. *Narrative Qur'anic Research*, 1 (3), 69-81. (In Persian)

* Received: 2025/04/05, Revised: 2025/07/05, Accepted: 2025/09/15.

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Corresponding Author Email: Abdollahzadeh@um.ac.ir.



ظرفیت صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر شروح چهارگانه

علی عبداله زاده^۱

چکیده

صحیفه سجادیه، یکی از آثار مکتوب ائمه علیهم السلام که در میان علما و بزرگان به «اخذ القرآن»، «انجیل اهل بیت علیهم السلام» و «زبور آل محمد علیهم السلام» مشهور است، در بردارنده دعاهایی از امام سجاده علیه السلام است که زمینه ارتباط انسان با خدا را فراهم می‌سازد. با وجود این ظرفیت عظیم، تاکنون آن چنان که شایسته است از این کتاب در تفسیر آیات قرآن استفاده نشده است. پژوهش حاضر جهت ترسیم رابطه وثیق میان صحیفه سجادیه و قرآن کریم، ابتدا دعای ۲۱ صحیفه را بررسی نموده است که در آن، تلمیح ده آیه از آیات قرآنی مشاهده می‌گردد. سپس به نقش صحیفه سجادیه در تبیین الفاظ، مفهوم، مصداق آیات قرآن کریم و همچنین حل چالش‌های تفسیری می‌پردازد. در ادامه، با ارزیابی شروح چهارگانه «ریاض السالکین»، «نور الأنوار»، «فی ظلال الصحیفه السجادیة» و «شرح صحیفه سجادیه» علامه مجلسی، تجلی تفسیر قرآن کریم در ادعیه صحیفه سجادیه را منعکس نموده و به بررسی تطبیقی کاربرست استدلال به آیات قرآنی ذیل ادعیه امام سجاده علیه السلام پرداخته است. آنگاه با استخراج تحلیل‌های قرآنی شارحان در ضمن دعای اول، چهارم، پنجم، هفدهم، بیستم و بیست و پنجم، به صورت عمده به تبیین مفهومی آیات، و تنها در شرح «نور الأنوار» به تعیین مصداق و در شرح «ریاض السالکین» به حل چالش‌های تفسیری پرداخته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، صحیفه سجادیه، تفسیر، شرح علامه مجلسی، نور الأنوار، ریاض السالکین، فی ظلال الصحیفه السجادیة.

استناد: عبداله زاده، علی (۱۴۰۴). «ظرفیت صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر شروح چهارگانه». قرآن پژوهی روایی، ۱ (۳)، ۶۹-۸۱.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Abdollahzadeh@um.ac.ir.

۱- بیان مسئله

قرآن، کتاب آسمانی دین اسلام و نازل شده از سوی پروردگار بر آخرین فرستاده خود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، است که دربردارنده معارف عمیق برای هدایت بشر در همه مکان‌ها و زمان‌هاست. اهل بیت علیهم السلام نیز، فرستادگانی از جانب خداوند و جانشینان پیامبر او هستند که به منظور تداوم این هدایت، در طول زمان‌های مختلف، به اشکال گوناگون و بر اساس شرایط حاکم بر جامعه، به تفسیر و تبیین معارف قرآن کریم پرداخته‌اند تا ابعاد و جوانب مختلف این کتاب آسمانی که معجزه دین اسلام است، بیش از پیش روشن گردد.

آموزه‌های قرآن و معارف اهل بیت علیهم السلام، به دلیل نشئت گرفتن از سرچشمه‌ای واحد که همان وحی الهی است، همسو با یکدیگراند و از این منظر اختلافی بین این دو منبع وجود ندارد. بر مبنای حدیث ثقلین نیز، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر علیهم السلام دو جزء لاینفک از هم هستند که هریک از این دو ثقل را می‌توان جلوه‌ای از دیگری دانست. با این وجود به نظر می‌رسد آن‌گونه که باید، ارتباط میان این دو ثقل به خوبی تبیین نگشته و زوایایی از ارتباط تنگاتنگ این دو، حتی در میان خود مسلمانان نیز همچنان مغفول مانده است.

ارتباط وثیق میان قرآن کریم و «صحیفه سجاده» به عنوان یکی از کتب ادعیه مؤثر، امری درخور تحقیق و پژوهش است. نوشتار پیش‌رو به روش توصیفی-تحلیلی، نخست به بررسی انواع نقش‌هایی که صحیفه سجاده در تفسیر قرآن کریم ایفا می‌نماید، پرداخته است و در ادامه، به این پرسش پاسخ داده است که با عنایت به شروح این کتاب، چگونه می‌توان نقش آن را به عنوان کتاب صاعد در تفسیر قرآن کریم ارزیابی نمود. برای پاسخ به این پرسش، چهار شرح مورد بررسی قرار گرفته و دلالت‌های قرآنی ذکر شده در هریک از این شروح در ارتباط با ادعیه صحیفه سجاده تبیین گشته است که عبارت‌اند از: «شرح صحیفه سجاده» محمدتقی مجلسی، «ریاض السالکین» سیدعلیخان مدنی شیرازی، «نور الأنوار» سید نعمت‌الله جزائری و «فی ظلال الصحیفه السجاده» محمدجواد مغنیه.

۲- پیشینه تحقیق

در خصوص ارتباط میان صحیفه سجاده و قرآن کریم، پژوهش‌های فراوانی به رشته تحریر درآمده است که به عنوان نمونه می‌توان به عناوینی همچون «قرآن و صحیفه سجاده؛ درونمایه‌های مشترک» (غلامعلی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۴۸)، «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجاده» (ستوده‌نیا و محققیان، ۱۳۹۵، ص ۲۱-۳۶)، «تجلی قرآن در صحیفه سجاده» (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱-۳۶۸) و «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجاده» (اقبال و حسن‌خانی، ۱۳۹۱، ص ۳۱-۴۲) اشاره نمود. با این وجود آنچه مقاله حاضر بدان می‌پردازد، نگاهی به ارتباط میان صحیفه سجاده و قرآن کریم با توجه به شروح صحیفه سجاده است که در تحقیقات گذشته کمتر به آن توجه شده است.

صحیفه سجادیه کتابی گران بهاست که در حوزه تفسیر قرآن کریم، کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به محتوای غنی این کتاب، بسیاری از دانشمندان آن را بی نیاز از ارائه سند معرفی نموده‌اند (نک: بهبهانی و خاقانی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۰؛ عراقی، ۱۳۶۲ق، ص ۱۷۵). یکی از محققان غربی نوشته است: «بسیاری از مردم غرب هنوز گمان می‌کنند که اسلام حقیقی معادل بساطت، جمود، قانون‌زدگی، ظاهرگرایی و خدایی عادل و متعالی است... اما می‌خواهم بگویم که اثری مانند صحیفه، بُعدی درونی از اسلام را به نمایش می‌گذارد که یافتن آن در متون نخستین دیگر بسیار دشوار است» (سی‌چیتیک، ۱۳۸۵، ص ۸۵).

با این وجود به نظر می‌رسد آن گونه که شایسته است، به ادعیه مأثور، خصوصاً صحیفه سجادیه و ارتباط آن با قرآن کریم توجه نشده است. از این رو، برخی بزرگان همچون امام خمینی علیه السلام در مواضع متعددی، از ادعیه به عنوان قرآن صاعد یاد نموده‌اند: «ادعیه ائمه هدی و دعا‌های آنان، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، با زبان دیگری دربرگرفته است. قرآن با زبان مخصوص به خود، به گونه‌ای صحبت می‌کند که همه مطالب را بیان کرده است؛ اما بسیاری از نکات آن به صورت رمزی است و ما نمی‌توانیم بفهمیم. ادعیه ائمه علیهم السلام نیز وضع دیگری دارد. به تعبیر استاد ما، ادعیه کتاب صاعد است. اگر قرآن کتاب نازل است که از محلی نزول کرده است، ادعیه ائمه کتاب صاعد است؛ یعنی همان قرآن است که رو به بالا می‌رود» (نک: خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۴۰۹-۴۱۰). کلام امام علیه السلام به ویژگی خاص ادعیه معصومان علیهم السلام اشاره دارد. تعبیر «قرآن صاعد» که از سوی استاد ایشان، آیت الله شاه‌آبادی، ناظر به ادعیه بیان شده است، دربردارنده لفظ دقیق «صاعد» است. کلامی می‌تواند حقیقتاً دعا باشد که خود بتواند صعود کند و انسان را نیز صعود دهد. با توجه به آنچه گذشت، به خوبی می‌توان ارتباط ادعیه با قرآن کریم را ترسیم نمود. در تفسیر قرآن، مفسر تلاش می‌کند تا با دستیابی به مراد خداوند از آیات، خود را به سطح عالی کلام الهی نزدیک سازد. معصومان علیهم السلام نیز در بیان ادعیه همین کار را انجام می‌دهند و با تعلیم نحوه برقراری ارتباط با خداوند متعال، سعی دارند بشر را به سمت تعالی معنوی سوق دهند.

در ادامه، به عنوان نمونه‌ای از نقش صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن کریم، به بررسی تأثیر ادعیه این کتاب ارزشمند در تبیین لغات، مفاهیم، مصادیق و حل چالش‌های تفسیری آیات قرآن پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱- نقش ادعیه صحیفه سجادیه در تبیین واژگان قرآن کریم

ادعیه اهل بیت علیهم السلام نقش مهمی در تبیین الفاظ آیات قرآن کریم دارند. از آنجاکه در واکاوی معنای برخی واژگان قرآن کریم میان لغت‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد، استفاده از ادعیه در این باب راهگشاست. به عنوان نمونه، می‌توان به تفسیر آیات ۵۸ سورة بقره و ۱۶۱ سورة اعراف اشاره نمود که در هر دو آیه، عبارت «وَقُولُوا حِطَّةٌ»^۱ (بقره: ۵۸ و اعراف: ۱۶۱) وجود دارد. این مسئله در خصوص معنای واژه «حِطَّة» قابل بیان

۱. و بگویند (خدایا خواست ما) ریزش گناهان است.

است. ابن درید، عالم سرشناس علم لغت، از ارائه توضیح درباره این واژه خودداری نموده است و آن را واژه‌ای می‌داند که فقط در کتاب خدا به کار رفته است (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۵۵۲). این در حالی است که در دعای بیست و یکم صحیفه سجادیه نیز استعمال این لغت مشاهده می‌شود: «وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ حِطَّةً لِلذُّنُوبِ فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ»^۱ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۱). بنابراین گرچه واژه «حطه» را می‌توان به عنوان کلمات غریب قرآن دانست، اما این واژه صراحتاً در دعای امام سجاد علیه السلام معنا شده است که نشان از لزوم مراجعه به ادعیه اهل بیت علیهم السلام به عنوان شارحانی برای معانی الفاظ قرآن کریم دارد.

۳-۱-۲- نقش ادعیه صحیفه سجادیه در تبیین مفهوم آیات قرآن کریم

در دعای اول صحیفه، امام سجاد علیه السلام در مقام نیایش به درگاه ربوبی می‌فرماید: «سپاس خدا را که ما را به توبه‌ای راهنمایی فرمود که اگر جز آن از فضل خدا چیزی نداشتیم، آزمونس نزد ما نیک و احسانش بر ما فراوان بود؛ زیرا سنت خدا در ارتباط با توبه برای پیشینیان این گونه نبوده است و از ما آنچه بر آن طاقت نداریم برداشته شده است» (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۱). همان گونه که در خصوص آیه «رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (بقره: ۲۸۶) این پرسش مطرح می‌گردد که تحمیل آنچه در طاقت انسان نیست، چگونه از جانب خداوند متعال ممکن است؟ پاسخ به این پرسش و تبیین مفهومی این آیه را می‌توان در بیان امام سجاد علیه السلام یافت که بر اساس آن، چیزی که انسان بر آن طاقت نخواهد داشت، عبارت از بسته بودن یا سخت بودن راه توبه است. به فرموده امام سجاد علیه السلام، راه توبه آن گونه که در زمان حاضر به وسیله قرآن کریم، احادیث اهل بیت علیهم السلام و ادعیه مأثور گوناگون بر انسان‌ها باز است، در گذشته تا این اندازه آسان نبوده است.

۳-۱-۳- نقش ادعیه صحیفه سجادیه در تبیین مصداق آیات قرآن کریم

علاوه بر نقش ادعیه در بیان مفهوم، در تبیین مصداق آیات نیز می‌توان از آن بهره گرفت که به دو نمونه آن اشاره می‌شود.

مورد نخست در این باب، تبیین مصداق آیه «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»^۲ (طه: ۱۶) است. در نگاه نخست این گونه به نظر می‌رسد که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شده‌اند تا هر علمی را از خداوند متعال طلب نمایند. اما با دقت در ادعیه روشن می‌گردد که اهل بیت علیهم السلام برخی از علوم را نه تنها طلب نمی‌کردند، بلکه از آن به خدا پناه برده و آن را «علم لاینفع» دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۷۵). دعای بیستم صحیفه سجادیه، معروف به دعای مکارم الاخلاق، مصداق علم نافع را مشخص نموده است. امام سجاد علیه السلام با تعبیر «وَعِلْمًا فِی اسْتِعْمَالٍ»^۳ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۰) از خداوند علمی را طلب می‌کند که مورد استعمال

۱. اگر حطه عبارت از استغفار از خطا باشد، همانا من از استغفارکنندگان هستم.

۲. و بگو: پروردگارا، بر علم من بیفزای.

۳. و از تو علمی را می‌خواهم که مورد استعمال قرار گیرد.

قرار بگیرد. بنابراین می‌توان این احتمال را مطرح نمود که مصداق واژه «علم» در آیه قرآن کریم نیز، نه هر علمی، بلکه علم نافع و قابل استفاده باشد. البته استعمال مفهوم علم در لسان اهل بیت علیهم‌السلام به معنای کاربرد دنیوی نیست و آن‌گونه که در کلام امام علی علیه‌السلام مشاهده می‌شود، غایت بودن دنیا در بهره‌گیری از علم مورد مذمت قرار گرفته است (سید رضی، ۱۴۱۲ق، خطبه ۱۴۷). هرگونه استفاده از لوازم و امور دنیوی، لازم است در راستای سعادت اخروی بوده و در مسیر آخرت انسان قرار داشته باشد.

۳-۱-۴- نقش ادعیه صحیفه سجاده در حل چالش‌های تفسیری

توجه به ادعیه اهل بیت علیهم‌السلام در حل چالش‌های تفسیری نیز راهگشاست. به عنوان نمونه‌ای از این دست می‌توان به دعای چهارم از صحیفه سجاده اشاره نمود. برخی، معتقدند صرف مصاحبت با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم موجب عدالت ایشان است و این همنشینی را سبب شکل‌گیری درجه‌ای از کمال برای فرد مصاحبت‌کننده می‌دانند. همین دیدگاه سبب شده است تا برخی آیات قرآنی را هم به همین نحو تفسیر نمایند. به عنوان مثال، در آیه ۲۹ از سوره فتح که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱ (فتح: ۲۹)، برخی واژه «مِنْ» در انتهای آیه را به معنای تبیین و نه به معنای تبعیض دانسته‌اند (ابن هشام، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۹). جلال‌الدین محلی در این باره می‌گوید: «برکت تابش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حدی است که به محض اینکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و یک عرب بیابان‌گرد در یک مکان گرد می‌آیند، ناگهان آن عرب لب به بیان حکمت می‌گشاید» (بنانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۶۷). این در حالی است که جاری دانستن این آیه درباره اصحاب بدون اشتراط ایمان و عمل صالح، موجبات لغو بودن احکام را فراهم می‌آورد (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸، ص ۳۰۲).

امام سجاد علیه‌السلام در چهارمین دعا از صحیفه سجاده می‌فرماید: «بار خدایا، به آمرزش و خشنودی خود، اصحاب محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را یاد کن، به‌ویژه آنان که حق صحبتش را نیکو ادا کردند و در نصرتش دلیری‌ها نمودند و به یاری او برخاستند و به دیدار او شتافتند و در اجابت دعوتش از یکدیگر پیشی گرفتند. چون رسالت خویش را به گوششان رسانید، پاسخ قبول دادند و از زن و فرزند خویش برای اظهار دعوت او بریدند و در تثبیت نبوتش با فرزندان و پدران خود پیکار کردند، تا به وجود او پیروز شدند» (امام علی بن الحسین علیه‌السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۰). در این عبارات، امام سجاد علیه‌السلام دعای خود را درباره عموم صحابه و آنان که تنها لحظه‌ای با پیامبر

۱. و کسانی که همراه اویند در برابر کفار، نیرومند و سرسخت و در میان خودشان مهربان‌اند. آن‌ها را همواره در حال رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و بخشش خداوند و خشنودی او را می‌طلبند، نشانه (عبادت و خشوع) آن‌ها در اثر سجده در رخسارشان پیداست؛ این صفت آن‌ها در تورات (موسی) است، و صفت آن‌ها در انجیل (عیسی) همانند زرع است که (خداوند) جوانه‌های آن را (از اطرافش) برآورده و تقویت کرده تا کلفت و ستبر شده و بر ساقه‌های خود ایستاده؛ به‌طوری که کشاورزها را به اعجاب و امید دارد، (خدا چنین کرده) تا به‌وسیله آنها کفار را به خشم و غیظ آورد. خداوند به کسانی از آنان که ایمان آورده و اعمال شایسته انجام داده‌اند آمرزش و پاداشی بزرگ را وعده داده است.

ﷺ دیدار نموده‌اند، جاری نمی‌کند؛ بلکه آن را به افراد خاصی از ایشان منصرف می‌سازد که دارای ویژگی‌های بسیار برجسته‌ای هستند.

۳-۱-۵- شروح صحیفه سجادیه

با توجه به اسلوب منحصر به فرد کتاب صحیفه سجادیه، بسیاری از دانشمندان اقدام به شرح آن نموده‌اند که در این میان شرح محمدتقی و محمدباقر مجلسی از قدیمی‌ترین شروحی است که بر این کتاب نوشته شده است. در دوره معاصر نیز تلاش‌هایی در این زمینه انجام گرفته است که می‌توان از نگاشته‌هایی چون «شهود و شناخت» اثر حسن ممدوحی و «دیار عاشقان» اثر حسین انصاریان نام برد.

برای فهم ارتباط میان صحیفه سجادیه و تفسیر آیات قرآن کریم کافی است به کتب شروح صحیفه مراجعه شود تا با تحلیل دعا‌های امام سجاد علیه السلام، پیوند میان قرآن کریم و ادعیه بیش از پیش مشاهده گردد. در این جا به عنوان نمونه، چهار کتاب «شرح الصحیفه السجادیة» اثر محمدتقی مجلسی، «نور الأنوار» اثر سید نعمت الله جزائری، «ریاض السالکین» اثر سیدعلیخان مدنی شیرازی و «فی ظلال الصحیفه السجادیة» اثر محمدجواد مغنیه بررسی خواهد شد. علت گزینش این کتب، اهمیت، شهرت و اشارات قرآنی موجود در این چهار شرح است. شایان ذکر است آنچه در این مقاله آمده است، در تفاسیر قرآن کریم مورد اشاره قرار نگرفته است.

۳-۱-۵-۱- نقش صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن کریم با نگاهی به شرح مجلسی اول

اولین شرح مورد بررسی، شرح علامه محمدتقی مجلسی است. خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره انفال می‌فرماید: ﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾^۱. امام سجاد علیه السلام نیز در نخستین دعای صحیفه سجادیه می‌فرماید: «ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِزَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ، وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ»^۲ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۰). علامه مجلسی در شرح خود بر صحیفه سجادیه ذیل این عبارت، این قسمت از دعا را دلیلی بر ارتقا و برتری رتبه افرادی می‌داند که در مسیر محبت الهی قرار می‌گیرند و سپس به مرتبه فنا دست می‌یابند که طی آن خداوند وجود ایشان را در اختیار می‌گیرد و تمام حالات آنان را از آن خود می‌کند. سپس، وی در توضیح این مطلب به آیه ۱۷ سوره انفال استناد می‌نماید (مجلسی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵) و این آیه را حکایت از مقامی می‌داند که در این قسمت از دعا بیان شده است. همچنین، در ادامه آیه فوق خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا﴾^۳. مجلسی اول، این فراز از آیه را در شرح عبارت «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى

۱. پس (بدانید که) شما آن‌ها را نکشتید؛ ولكن خدا آنان را کشت، و آن‌گاه که تو (به‌سوی آن‌ها تیر و سنگ‌ریزه) افکندی، تو نیفکندی؛ ولكن خدا افکند.

۲. سپس ایشان را در مسیر اراده خود راه برد و در راه محبت خود برانگیخت تا جایی که توان این را نداشتند که از آنچه ایشان را پیش رانده است بازگردند و نسبت به آنچه ایشان را بازداشتنه اقدام نمایند.

۳. و برای آنکه مؤمنان را نیک آزمایش نماید.

التوبه الّتی لَمْ تُفِدْهَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسَنَ بَلَاؤُهُ عِنْدَنَا»^۱ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۱) استفاده نموده است (مجلسی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰). با نگاهی به تعبیر امام سجاد علیه السلام و ارتباط آن با فراز نقل شده از آیه، می توان به معنا و مفهوم «بلا» و «آزمون حسن و نیکو» که در آیه مطرح شده است پی برد، و آن عبارت از آزمونی است که در ازای آن، راه توبه برای جبران - در صورت اشتباه - وجود خواهد داشت.

در نمونه ای دیگر، خداوند متعال در آیه ۷۰ از سوره فرقان می فرماید: ﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۲ (فرقان: ۷۰). امام سجاد علیه السلام نیز در دومین دعای صحیفه با عبارت «یا مُبَدِّلُ السَّيِّئَاتِ بِأَصْغَرِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ»^۳ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲) خداوند را می خواند. علامه مجلسی در شرح عبارت ذکر شده، آیه ۷۰ از سوره فرقان را مورد استناد قرار داده است. بر این اساس می توان با توجه به عبارت صحیفه سجاده گفت نه تنها تبدیل سیئات به حسنات از سوی خداوند متعال صورت می گیرد، بلکه بر اساس این فراز از دعا، سیئات به صورت چند برابری به حسنات مبدل می شوند (مجلسی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵).

بنابراین، می توان گفت که در هر سه مورد نام برده، با استفاده از ادعیه صحیفه سجاده و بر اساس شرح مجلسی اول، تبیین مفهومی از آیات به دست آمده است.

۳-۱-۵-۲- نقش صحیفه سجاده در تفسیر قرآن کریم با نگاهی به شرح سید نعمت الله جزائری

«نور الأنوار»، شرحی از سید نعمت الله جزائری بر صحیفه سجاده است. خداوند متعال در هفتمین آیه از سوره غافر می فرماید: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلُهُ يَسْبُحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (غافر: ۷). امام سجاد علیه السلام نیز در نخستین دعای صحیفه فرموده است: «فَكُلَّ خَلْقَتِهِ مُنْقَادَةً لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةً إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ»^۴ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۱). جزائری در شرح خود بر صحیفه سجاده ذیل این فراز، آیه ۷ سوره غافر را مورد استناد قرار می دهد. بر این اساس، خداوند تمام مخلوقات عالم را مطیع انسان قرار داده است. از جمله این مخلوقات، فرشتگان هستند که در خدمت انسان

۱. و سیاس خدایی را که ما را به توبه رهنمون گشت که جز از فضل او آن را نیافتیم. اگر همین یک عنایت را از فضل او بدانیم ابتلای او نزد ما نیکو خواهد گشت.

۲. مگر کسانی که (از آنچه در آن بودند) توبه کنند و ایمان آورند و عمل شایسته نمایند، پس آن هابند که خداوند گناهانشان را تبدیل به نیکی ها می کند (توفیق می دهد در آینده به جای آن گناهان عمل های نیک کنند، یا نسبت به گذشته گناهانشان را محو و به جایش حسنات می نویسد) و همواره خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

۳. ای کسی که گناهان را به چندین برابر از ثواب ها جابه جا می کنی.

۴. کسانی (از فرشتگان) که عرش (مقر سلطنت حق و مرکز صدور فرامین تدبیر جهان) را حمل می کنند و کسانی که گرداگرد آن اند، توأم با ستایش پروردگارشان تسبیح و تقدیس او می گویند، و به او ایمان (خاص مقام خود) می آورند و برای کسانی (از انسان ها) که ایمان آورده اند آمرزش می طلبند.

۵. پس هر آفریده ای به واسطه قدرت الهی در برابر ما فرمانبردار است و به واسطه عزت الهی به طاعت ما میل می نماید.

قرار دارند و استغفار برای اهل ایمان، یکی از خدماتی است که مکلف به انجام آن در برابر انسان‌ها گشته‌اند (جزائری، ۱۴۲۷ق، ص ۴۶).

همچنین خداوند متعال در آیه ۲۷ از سوره اعراف می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ﴾^۱ (اعراف: ۲۷). امام سجاد علیه السلام نیز فرموده است: «وَجَعَلَتْ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَلْطَنَةً مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ»^۲ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۵). جزائری در شرح عبارت ذکر شده، از آیه ۲۷ سوره اعراف استفاده نموده (جزائری، ۱۴۲۷ق، ص ۲۲۹) و آن را توضیحی برای آیه قرار داده است. وی «سلطه» مطرح شده در آیه را اشاره‌ای به توانایی شیطان در دیدن و اثرگذاری بر انسان، بدون امکان رؤیت عادی وی از سوی انسان دانسته است.

در جایی دیگر، خداوند متعال در آیه ۱۸۹ سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَأُتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۳ (بقره: ۱۸۹). امام سجاد علیه السلام نیز فرموده است: «وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَآتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا»^۴ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، ص ۴۷). جزائری در شرح این فراز از دعای امام علیه السلام، آیه ۱۸۹ سوره بقره را به کار برده است (جزائری، ۱۴۲۷ق، ص ۳۳۲). از این رو، می‌توان آیه را خارج از سیاق خود مورد استفاده قرار داد و بر اساس آن برای رسیدن به خدا از درب توحید و نفی هرگونه ضد، شریک و شبیه وارد شد.

بنابراین، باید گفت بر اساس شرح جزائری در دو مورد نخست تبیین مفهومی، و در مورد اخیر توسعه مصداقی در آیات مشاهده می‌شود. در عبارت اول، استغفار فرشتگان برای مؤمنان نوعی از خدمتی دانسته شده است که فرشتگان برای مؤمنان انجام می‌دهند. در عبارت دوم نیز، دیده شدن انسان به صورت مخفیانه از سوی شیطان نمونه‌ای از سلطه‌ای معرفی می‌شود که خداوند به شیطان داده است. در عبارت سوم نیز، توحید و نفی هرگونه ضد، شریک و شبیه مصداق ابوابی است که انسان را به خدا می‌رساند.

۳-۵-۱-۳- نقش صحیفه سجاده در تفسیر قرآن کریم با نگاهی به شرح سیدعلیخان مدنی شیرازی

«ریاض السالکین»، شرح دیگری بر صحیفه سجاده است که به ارتباط میان این کتاب گران قدر و قرآن کریم می‌پردازد. خداوند متعال در یازدهمین آیه از سوره اعراف می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ﴾^۵ (اعراف: ۱۱). همان گونه که پیش تر

۱. بی تردید او و قبیله‌اش شما را می‌بینند از آنجاکه شما آنان را نمی‌بینید.

۲. و بر ما دشمنی قرار دادی که نسبت به ما حيله می‌ورزد و او را به گونه‌ای بر ما سلطه دادی که ما را بر او سلطه ندادی ... آن را بر ایشان بخشیدم.

۳. و به خانه‌ها از درهای آن‌ها درآید.

۴. و من هر چند اعمال صالحی که به عنوان کار نیک پیش می‌فرستند، پیش نفرستادم، توحید تو را و نفی کردن هرگونه ضد، شریک و شبیه برای تو را پیش فرستادم و از درهایی وارد شدم که امر نمودی از آن درها بر تو وارد گردند.

۵. به یقین ما (آدم جدّ اعلای) شما را (ابتدا از خاک‌های روی زمین به صورت خمیر مایه) آفریدیم، سپس آن ماده را در شکل شما انسان‌ها صورت بندی کردیم، آنگاه (چون در آن روح دمیدیم) به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس؛ که وی از سجده‌کنندگان نبود.

نیز اشاره شد، امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۵ صحیفه فرموده است: «وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَلْطَتُهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تَسْلِطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ»^۱ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۲۵). سیدعلیخان مدنی شیرازی در شرح این عبارت، از آیه ذکر شده استفاده نموده است و سجده فرشتگان بر انسان را نشان از این می‌داند که آن‌ها و دیگر مخلوقات، به امر الهی موظف به اطاعت از انسان هستند و در خدمت او قرار دارند (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۷). بر اساس این دیدگاه، سجده ذکر شده، نمونه‌ای از اطاعت دیگر موجودات از نوع انسان که در مقام خلافت الهی است، به شمار می‌رود.

همچنین خداوند متعال در آیه ۸۱ از سوره اعراف می‌فرماید: «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ» (اعراف: ۸۱). امام سجاد علیه السلام نیز در نخستین دعای صحیفه فرموده است: «اللَّهُمَّ وَ مَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ» (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۱). سیدعلیخان مدنی شیرازی در توضیح مفهوم اسراف مطرح شده در عبارت، به این آیه استناد می‌نماید (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۸). با این توضیح که اسراف در هردو مورد نام برده، به صورت عام به کار رفته است و تنها دلالت بر امور مالی ندارد. در واقع می‌توان از کاربرد اسراف در این فراز از دعا، به عنوان قرینه‌ای بر استعمال مفهوم اسراف در غیر از مسائل مالی یاد نمود.

نمونه‌ای دیگر در این باره، قول خداوند متعال در سوره ناس است که می‌فرماید: «الَّذِي يَوْسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»^۲ (ناس: ۵). امام سجاد علیه السلام نیز در بخشی از دعای خود، تعبیر «أَسْكَنْتَهُ صُدُورَنَا»^۳ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، ص ۲۵) را به کار برده است. مدنی شیرازی ذیل عبارت فوق، به آیات انتهایی سوره ناس اشاره می‌نماید و آن را توضیحی برای آیه دانسته است (مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۱۲) که بر اساس آن، شیطان با سکونت در سینه انسان، زمینه را برای وسوسه نمودن وی فراهم می‌آورد.

بنابراین، می‌توان گفت که در هر سه مورد نام برده، با استفاده از ادعیه صحیفه سجاده و بر اساس شرح ریاض السالکین، تبیین مفهومی رخ داده است.

اما علاوه بر موارد فوق، آنچه در شرح ریاض السالکین به چشم می‌خورد، تلاش مؤلف جهت حل چالش‌های تفسیری بر اساس صحیفه سجاده است. به عنوان نمونه، وی در شرح دعای چهارم صحیفه سجاده در ارتباط با اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، به آیاتی همچون آیه ۱۸ و ۲۹ سوره فتح اشاره نموده است و با توجه به دعای چهارم، رضایت و مغفرت در این آیات را ناظر به آن دسته از اصحاب می‌داند که با سرانجام و عاقبتی نیکو از دنیا رفته باشند. این اعتقاد، زمینه حل چالش موجود در تفسیر آیات ذکر شده ذیل بحث عدالت صحابه را فراهم آورده است.

۱. و بر ما دشمنی قرار دادی که نسبت به ما حيله می‌ورزد و او را به گونه‌ای بر ما سلطه دادی که ما را بر او سلطه ندادی... آن را بر ایشان بخشیدم.

۲. آنکه در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند.

۳. او (شیطان) را در قلب ما ساکن نمودی.

۳-۱-۵-۴- نقش صحیفه سجادیه در تفسیر قرآن کریم با نگاهی به شرح محمدجواد مغنیه

«فی ظلال الصحیفه السجادیة»، اثری از محمدجواد مغنیه در شرح صحیفه سجادیه است. خداوند متعال در ششمین آیه از سوره احزاب می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»^۱ (احزاب: ۶). امام سجاد علیه السلام نیز در فرازی از دعای خود فرموده است: «اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَ كَانَفُوهُ، وَ أَسْرَعُوا إِلَىٰ وَفَادَتِهِ، وَ سَابَقُوا إِلَىٰ دَعْوَتِهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَاتِهِ، وَ فَارَقُوا الْأَرْوَاحَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ بُبُوتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ، وَ مَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ فِي مَوَدَّتِهِ، وَ الَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ، وَ انْتَفَتَ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ» (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۴). مغنیه در شرح این عبارت به آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (احزاب: ۶) استناد می‌نماید. وی پس از اولی دانستن پیامبر صلی الله علیه و آله بر نفوس، به مفهوم واژه «مؤمنین» در آیه توجه نموده است و آن را به معنای افرادی می‌داند که دارای ایمانی از عمق وجود به پیامبر صلی الله علیه و آله هستند (مغنیه، ۱۳۹۹ق، ص ۵۶). این مسئله موجب دل بردن آنان از خانواده، پدر و برادر خود و گاه حتی جهاد با ایشان به منظور اثبات صدق ادعای ایمانشان خواهد شد. بنابراین، سخن امام سجاد علیه السلام در شرح ویژگی‌های اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، نمونه‌ای از بیان ویژگی‌های مؤمنانی است که در آیه ۶ سوره احزاب، پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان از جان آن‌ها نیز سزاوارتر دانسته شده است.

همچنین خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره شعراء می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»^۲ (شعراء: ۸۹). امام سجاد علیه السلام نیز در دعای خود فرموده است: «وَ اجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ»^۳ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۵). مغنیه در توضیح این عبارت، به آیه ۸۹ سوره شعراء استناد نموده است (مغنیه، ۱۳۹۹ق، ص ۶۸) و بر این اساس، می‌توان قلب سلیم مطرح شده در آیه را قلبی شکل گرفته بر پایه ذکر عظمت الهی دانست.

در جایی دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۴ (توبه: ۱۲۲). امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای خود می‌فرماید: «وَ اسْتَظْهَرْ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ الرَّبَّانِيَّةِ»^۵ (امام علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، دعای ۱۷). مغنیه در شرح خود بر این عبارت، به آیه ۱۲۲ سوره توبه اشاره نموده است (مغنیه، ۱۳۹۹ق،

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

۲. مگر کسی که با قلبی سالم (از عقاید و اخلاق فاسده) به نزد خداوند بیاید.

۳. و سلامت قلب‌های ما را در یاد نمودن عظمت خود قرار ده!

۴. و مؤمنان را نسزد و جایز و ممکن نباشد که همگی (به‌سوی جبهه جنگ یا مراکز علمی دینی) کوچ نمایند (به‌ویژه جهاد که طبعاً مخصوص به زمان و مکانی خاص است)، پس چرا از هر جمعیتی از آنان گروهی (معدود) کوچ نمی‌کنند تا (رزمندگان در معرفت توحید تجربی، و حوزویان در معارف دین) تحصیل دانش عمیق نمایند و قوم خود را آنگاه که به‌سوی آن‌ها بازگشتند هشدار دهند؟ باشد که آن‌ها (باطناً و عملاً) بر حذر باشند.

۵. و از تو پشتیبانی طلبید تا بتواند در برابر شیطان به شناخت علوم ربّانی نائل آید.

ص ۱۷۰). بر این اساس باید گفت که تفقه در دین نه به معنای فقه مصطلح، بلکه عبارت از شناخت علوم ربّانی است که با پشتیبانی خداوند متعال و در راستای مبارزه با شیاطین به کار می‌آید.

بنابراین، می‌توان گفت که در هر سه نمونه نام‌برده، با استفاده از ادعیه صحیفه سجاده و بر اساس شرح فی ظلال الصحیفه السجادیة، تبیین مفهومی رخ داده است.

در اولین مورد، سخن امام سجاد علیه السلام در توضیح ویژگی‌های اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، بیان نمونه‌ای از ویژگی‌های مؤمنانی است که در آیه ۶ سورة احزاب، پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان از جان خود آن‌ها نیز سزاوارتر دانسته شده است. همچنین، در عبارت دوم، سلامت قلب را که آیه ۸۹ سورة شعراء بدان اشاره دارد، در ذکر عظمت پروردگار دانسته است. در عبارت سوم نیز، منظور از فقه در آیه ۱۲۲ سورة توبه را نه تنها فقه مصطلح، که به معنای شناخت علوم ربّانی می‌داند.

نتیجه‌گیری

براساس تحقیق حاضر می‌توان به نتایج ذیل اشاره نمود:

۱. صحیفه سجاده ظرفیت بسیار مهمی در تفسیر قرآن کریم به شمار می‌رود که آن گونه که شایسته است جامعه انسانی توان استفاده از آن را نداشته است.
۲. در این تحقیق با ارزیابی شروح چهارگانه «ریاض السالکین»، «نور الأنوار»، «فی ظلال الصحیفه السجادیة» و «شرح صحیفه سجاده» علامه مجلسی، به بررسی تطبیقی کاربرست استدلال به آیات قرآنی ذیل ادعیه امام سجاد علیه السلام پرداخته شده است.
۳. شارحان در ضمن دعای اول، چهارم، پنجم، هفدهم، بیستم و پنجم صحیفه سجاده، به تبیین مفهومی آیات بر اساس ادعیه امام سجاد علیه السلام پرداخته‌اند.
۴. تنها در شرح «نور الأنوار» به تعیین مصداق و در شرح «ریاض السالکین» به حل چالش‌های تفسیری پرداخته شده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: علی مشکینی (۱۳۸۱). قم: الهادی.
۱. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۷م). جمهرة اللغة، تحقيق: رمزي منير بعلبكي، بيروت: دار العلم للملايين.
 ۲. ابن هشام، عبدالله بن يوسف (۱۴۰۴ق). مغنی اللیب عن كتب الأعراب، قم: منشورات مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
 ۳. احمدی، فاطمه (۱۳۹۰). تجلی قرآن در صحیفه سجادیه، تهران: حنیفا.
 ۴. اقبالی، عباس؛ حسن خانی، فاطمه (۱۳۹۱). «بینامتنیت قرآنی در صحیفه سجادیه»، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱، صص ۳۱-۴۲.
 ۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بيروت: دار الذخائر.
 ۶. امام علی بن الحسین (علیه السلام) (۱۳۷۶). الصحیفه الکامله السجادیة، قم: الهادی.
 ۷. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (علیه السلام).
 ۸. بنانی، عبدالرحمن بن جارالله (۱۴۲۴ق). حاشیه العلامة البنانی علی شرح الجلال شمس الدین المحلی علی متن جمع الجوامع، بيروت: دار الفكر.
 ۹. بهبهانی، وحید؛ خاقانی، علی (۱۴۰۴ق). رجال الخاقانی و معه فوائد الوحید البهبهانی، تحقیق: سید محمد صادق آل بحر العلوم، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
 ۱۰. جزائری، نعمت الله بن عبدالله (۱۴۲۷ق). نور الأنوار فی شرح الصحیفه السجادیة، قم: آسیانا.
 ۱۱. ستوده نیا، محمدرضا؛ محققیان، زهرا (۱۳۹۵). «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۹، صص ۲۱-۳۶، DOI: 10.22108/nrgs.2016.20529.
 ۱۲. سی چیتیک، ویلیام (۱۳۸۵). «مقدمه ای بر صحیفه سجادیه»، ترجمه: وحید صفری، علوم حدیث، شماره ۴۱، صص ۵۹-۸۸.
 ۱۳. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: دار الذخائر.
 ۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 ۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد، بيروت: فقه الشیعة.
 ۱۶. عراقی، عبدالنبی (۱۳۶۲ق). روح الإیمان فی وجوب معرفة حقيقة الإنسان، نجف: المطبعة العلمیة.
 ۱۷. غلامعلی، احمد (۱۳۸۹). «قرآن و صحیفه سجادیه، درونمایه های مشترک»، علوم حدیث، شماره ۵۷، صص ۱۴۸-۱۲۱.
 ۱۸. مجلسی، محمد تقی (۱۳۸۸). شرح الصحیفه السجادیة، تصحیح: علی فاضلی، قم: پژوهشکده باقر العلوم.
 ۱۹. مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تحقیق: سید محسن حسینی امین، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
 ۲۰. مغنیه، محمد جواد (۱۳۹۹ق). فی ظلال الصحیفه السجادیة، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.